

نشریه الکترونیکی هدایت



www.hadinews.ir

معیار در اینستاگرام @meyarpb معیار در روبیکا @meyar_pb معیار در سروش @meyar.pb

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

نشریه هدایت / شماره ۲۰ / بهمن ۱۴۰۰

قیام علیه وابستگی

اصولاً اگر انگلستان و آمریکا نبودند در همان شهریور ۱۳۲۰، که اعلی حضرت رضاشاه از کشور تبعید شدند، بساط سلطنت پهلوی جمع‌آوری می‌شد. همه می‌دانند که در جریان کنفرانس تهران استالین قضیه تشکیل جمهوری و حکومت مردمی را در ایران مطرح و خواستار برکناری اعلیحضرت شده و گفته بودند که صلاح نیست سرنوشت یک ملت کهنسال به دست یک جوان بی‌تجربه سپرده شود، اما چرچیل و روزولت با نظر استالین مخالفت کرده و خواستار بقای سلطنت خانوادگی پهلوی و پادشاهی اعلی حضرت محمدرضا شاه شده بودند و اگر پافشاری این دو رهبر غربی نبود در همان شهریور ۱۳۲۰ در ایران جمهوری اعلام می‌شد... انتصاب هویدا به نخست‌وزیری، اگرچه ظاهراً اتفاقی صورت گرفت اما هویدا نخست‌وزیری بود که آمریکا و انگلستان و اسرائیل روی او توافق کرده بودند و به همین دلیل اعلی حضرت با آنکه چندبار کوشید تا هویدا را کنار بگذارد و من یا اسدالله علم و یا هوشنگ انصاری را مأمور تشکیل کابینه نماید، موفق نشد.

این عبارات تنها بخشی از سخنان اردشیر زاهدی درباره وابستگی رژیم دیکتاتور پهلوی به خارج مرزهاست، رژیمی که حسین فروست می‌گوید حتی این انگلیسی‌ها بودند که تعیین می‌کردند شاه به کدام رادیو کوش کند یا گوش نکند. فردوست درباره نفوذ انگلیس در شورای امنیت کشور نیز چنین می‌نویسد:

در سال ۱۳۴۹، یک روز صبح، محمدرضا، وزیر جنگ (ارتشبد عظیمی)، رئیس ستاد ارتش (جم یا ازهاری دقیقاً یادم نیست کدام یک بودند، احتمالاً جم بود)، رئیس ساواک (نصیری)، رئیس اداره دوم ارتش (پالیزبان)، رئیس شهربانی (مبصر) و فرمانده ژاندارمری (اویسی) را به کاخ مرمر احضار کرد. در این جلسه من به دلایلی حضور نداشتم. مقامات پس از حضور نزد شاه مشاهده کردند که شاپور جی نیز آنجاست. ابتدا شاپور جی، به عنوان نماینده دولت انگلستان، شروع به صحبت کرد و مقامات از سخنان او یادداشت برداشتند. شاپور جی چنین گفت: همانطور که مستحضرید شورای امنیت کشور اهمیت فوق‌العاده و حیاتی در حفظ امنیت کشور و پیش‌بینی وقایع در سطوح عالی مملکتی دارد. لذا از انگلستان به من دستور داده شده که اهمیت این شورا را به اعلیحضرت یادآوری کنم (شاپور جی نمی‌گوید کدام مقام انگلستان، قاعدتاً باید نخست‌وزیر باشد). لذا اعلیحضرت ترجیح دادند که این مطالب با حضور خودشان بازگو شود: اول اینکه، جلسات شورا باید منظم تشکیل شود. دوم اینکه، همه موضوعات مهم مملکتی و امنیتی و خارجی باید در آن مطرح شود. سوم اینکه، هرگاه یکی از اعضای شورا مطلبی را قبل از تشکیل شورا مستقیماً به اعلیحضرت گفته باشد دلیل بر این نیست که در شورا مطرح نشود. صورت جلسات شورا منظم باید به اطلاع اعلیحضرت برسد

و دستورات صادره دقیقاً باید اجرا گردد و چنین نباشد که چون فلان عضو شورا فلان مطلب را به اطلاع اعلیحضرت رسانده، دیگر آن را در شورا مطرح نکند. اطلاع مستقیم و فوری اعلیحضرت یک جنبه کار است و اطلاع شورا جنبه دیگر کار، که با بررسی جوانب مختلف موضوع مسئله پخته خواهد شد. چهارم اینکه، مقامات انگلستان سفارش نمودند که علاوه بر شورای موجود، یک شورای دیگر نیز مرکب از معاونین ارگان‌های اطلاعاتی و امنیتی و انتظامی و با شرکت مسئول شورای عالی تشکیل شود و صورت‌جلسات، این شورای جدید به اطلاع اعلیحضرت و اعضای شورای رده یک برسد.»

ماروین زونیس، استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه شیکاگو آمریکا نیز درباره وابستگی رژیم پهلوی می‌گوید: دخالت عمیق ایالات متحده در زندگی ایرانی‌ها، عملاً در تمام مراحل رژیم شاه و همچنین وقوع انقلاب ملت ایران که صراحتاً رژیم را مردود می‌دانست، مؤثر بود. آمریکا، مسئول آن چیزی است که در ایران پدید آمد؛ زیرا به شدت خود را به سلسله پهلوی مربوط ساخته بود... آمریکا به نحوی تعیین کننده در تبدیل شاه به یک مطلق‌العنان، مؤثر بود، زیرا رویاهای جاه‌طلبانه او را با تقویت بنیه اقتصادی و سیاسی رژیمش، تشدید می‌کرد و از نظر روانی هم به او این احساس را داد که می‌تواند، هر وقت می‌خواهد از آمریکا و رؤسای جمهوری‌اش به نحوی که گویی آنها دارایی شخصی او بودند بهره بگیرد. آمریکایی‌ها حتی شاه را ترغیب می‌نمودند، تا برای افزودن به جلال و شکوه قدرتش، ایده‌آلیسم فردی‌اش و همچنین خصلت یگانه بودنش، از آنها استفاده کند، چرا که او برای حفظ نقش سروری و پادشاهی، به شدت، نیازمندشان بود... اگرچه، هم دولت آمریکا در واشنگتن و هم دولت بازرگان، پس از انقلاب، در تهران، هر کاری صورت دادند تا این حالت انفجاری که به دنبال اقامت شاه در آمریکا پیش‌بینی می‌شد، رخ ندهد، اما به دلیل سماجت شاه، آنها موفق نشدند از رفتن او ممانعت کنند. به هنگام ملاقاتی که در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دی ۱۳۵۷) با او داشتم، مردی را در برابر خود یافتم که نه تنها تحت تأثیر آمریکا، بلکه به وسیله آن، تسخیر شده است. اگرچه، شاه در درون خود، سرنگونی‌اش را به آمریکایی‌ها مربوط می‌دانست، اما باز هم، به هنگام رها ساختن قدرت ترجیح می‌داد، به آنجا پناه ببرد خواندن این عبارات در کنار شناخت ملت بزرگ ایران که با هرگونه سلطه و وابستگی مخالف است کافی است تا یکی از ریشه‌های اصلی انقلاب اسلامی را دریابیم، ملت ایران به رهبری امام خمینی رژیم وابسته به غرب را کنار زدند و نظامی را بر پا کردند که با اراده و تصمیم مردم و براساس منافع ملی تصمیم می‌گیرد و پیش می‌رود.

موضوعی که رهبر معظم انقلاب بسیار دقیق به آن اشاره و فرمودند: «یکی از بزرگترین جرائم و گناهان رژیم محمدرضا پهلوی، عبارت بود از این که کشور را از لحاظ فنی، صنعتی و اقتصادی، وابسته نگهداشت و وابسته‌تر کرد. سرنوشت یک کشور را در نانش، در گندمش، در سیلوی گندمش، در وسیله‌ی آرد کردن گندمش، در مواد غذایی و در همه چیزش، به خارج وابسته کرد! شما از این مواد غذایی و نان بگیرید، تا سایر چیزها، ایران به خارج از مرزها وابسته شد؛ به طوری که اگر یک وقت دشمنان اراده کنند، بتوانند این ملت را از همه چیز محروم کنند. کسی که این‌طور کشوری درست کند و اداره نماید و به این‌جا برساند، خیانتی مرتکب شده است که هیچ خیانت دیگری جز آن که در همین سطح باشد، با آن قابل مقایسه نیست.»